

حکله حکله

طرحی برای استفاده بهینه از آب

سعیده باقری

تعریف کنیم و اهالی روستا نتایج آن را ببینند، برای مشارکت در طرح‌های بزرگ‌تر داوطلب خواهند شد. گام اول یا همان پروژه کوچک می‌تواند طرحی برای استفاده بهینه از همین چکه‌های آب باشد. در اغلب روستاها به‌خاطر دور بودن از شهر و امکانات لازم برای تعمیر شیرهای آب از سویی، و املاح بیش از حد آب که شیرهای آب را زود به زود خراب می‌کند، از سوی دیگر، توجهی به آبی که از شیرها چکه می‌کند نمی‌شود. در روستاها معمولاً از هر خانه‌ای حداقل یک کودک در مدرسه حضور دارد، برخی خانه‌ها هم که افراد مسن در آن‌ها زندگی می‌کنند، معمولاً با دیگر خانواده‌ها نسبتی دارند و به این ترتیب می‌توان با توجه به شرایط و توان دانش‌آموزان، مسئولیت بهره‌برداری از چکه‌های شیرهای آب یک یا دو یا سه خانه را به هر دانش‌آموز سپرد. اگر مدرسه شبانه‌روزی است و خوابگاه دارد، می‌توان مسئولیت هر یک یا چند شیر آب مدرسه را به یکی از بچه‌های خوابگاه سپرد. پیدا کردن سطرها یا ظروف مناسب برای جمع کردن آب کار مشکلی نیست. اگر روستا کوچک است و

نخواهند داشت، اندوهگین شد و پیوسته غصه می‌خورد. اتفاقاً یک روز بعد از ظهر که همه خواب بودند و او از فکر و ناراحتی کم‌آبی خوابش نمی‌برد، متوجه صدای چک‌چک آب از شیر حیاط خانه شد. به این فکر افتاد که حداقل از این آب استفاده کند و باغچه‌شان را نجات دهد و... ادامه داستان را می‌توانید حدس بزنید! در ابتدای کار همه او را مسخره می‌کردند و این آب را بسیار ناچیز می‌دانستند، اما پسرک به این کار ادامه داد و موفق شد با بسیج کردن بچه‌های روستا، در همه خانه‌ها، جلوی هدر رفتن همین آب‌های ناچیز را بگیرد و تا حدی محصولات کشاورزی روستا را، تا آمدن جوانان و لایروبی قنات، از خشک شدن نجات دهد. اگر بچه‌های روستا متوجه اهمیت آب شوند، این توان دارند که از هدر رفتن بخش قابل توجهی از آب موجود، هر چند کم باشد، جلوگیری کنند. می‌توان در مدرسه چنین نگرشی را ایجاد کرد و سپس با هماهنگی و همکاری شورای روستا یا صحبت با تک‌تک اهالی، پروژه‌ای برای بهینه‌سازی مصرف آب در روستا تعریف کرد. اگر یک پروژه با ابعاد کوچک

وقتی کوچک بودم، کتاب زیبایی خواندم با عنوانی تقریباً مشابه با «چکه‌چکه»؛ ولی اکنون هر چه در فهرست‌های کتابخانه ملی و سایت‌های مربوط به کتاب‌های کودکان جست‌وجو می‌کنم، عنوان دقیق، نام نویسنده و ناشر آن را پیدا نمی‌کنم! به هر حال، آن کتاب ماجرای یک روستا در منطقه‌ای از مناطق مرکزی ایران بود که آب کشاورزی آن از طریق قنات تأمین می‌شد. جوان‌های روستا در فصل‌های غیردرو برای کار فصلی به شهر می‌رفتند. در یکی از این دوره‌های کار فصلی، به علت خشک‌سالی، قنات روستا به‌صورت غیرمنتظره‌ای غیرقابل استفاده شده بود و نیاز به لایروبی داشت. لایروبی هم‌کاری نبود که کودکان و افراد مسن از عهده آن بریبایند و لذا در نبود جوانان، باغ‌ها و مزرعه‌های روستا داشت خشک می‌شد. آب مصرفی مردم روستا از چاه‌های خانه‌شان تأمین می‌شد که آن‌هم به خاطر خشک‌سالی کم‌آب شده بودند و حتی کفاف باغچه‌های حیاط خانه‌ها را هم نمی‌دادند چه رسد به باغ‌ها و مزرعه‌ها. قهرمان داستان پسر کوچکی بود که از وقتی شنید آن سال هیچ محصولی



مدرسه به همه نزدیک است، می توان یک باغچه کوچک در محوطه

مدرسه را انتخاب کرد و بچه‌ها

موظف شوند آن باغچه را با آب‌هایی که جمع‌آوری کرده‌اند آبیاری کنند، در غیر این صورت می‌توان از دانش‌آموزان خواست باغچه‌ای در حیاط خانه خود تعیین کنند که فقط با این آب‌ها آبیاری شود. در پایان سال تحصیلی می‌توان از اهالی روستا دعوت کرد تا از محصولات آبیاری‌شده با آب‌هایی که تا به حال هدر می‌رفت دیدن کنند. با این روش حتی می‌توان در روستاهایی که در مناطق بسیار خشک هستند و مردم معمولاً به سبزیجات تازه و محصولات جالیزی دسترسی ندارند، برای خانه‌ها سبزی‌کاری راه‌اندازی کرد تا مردم به‌طور روزمره از محصول آن بهره‌مند شوند و علاوه بر

جلوگیری از هدر رفتن آب، کیفیت غذای روزانه‌شان هم افزایش یابد.

در صورت موفقیت در اجرای این طرح کوچک و همکاری و همیاری شورا و اهالی روستا، می‌توان به عنوان گام بعدی، در ادامه، طرحی برای بازبینی و تعمیر دوره‌ای شیرهای آب پیشنهاد داد تا اصلاً آب از شیرها هدر نرود.

گام‌های بزرگ‌تر می‌تواند شامل مشارکت دادن دانش‌آموزان در پروژه‌هایی برای اصلاح شیوه‌های آبیاری مزارع و باغ‌های روستا باشد. دانش‌آموزان متوسطه اگر از سوی بزرگ‌ترها جدی گرفته شوند، این توان را دارند که ایده‌های خوبی مطرح کنند و یا در اجرای ایده‌های موجود

برای این منظور مشارکت کنند. این‌گونه فعالیت‌ها حتی ممکن است نگرش دانش‌آموزان را نسبت به ادامه تحصیل و آینده شغلی‌شان شکل بدهد. ترغیب آن‌ها به جدی گرفتن فعالیت کشاورزی و باغداری به‌عنوان امری مهم و تأثیرگذار می‌تواند آن‌ها را به انتخاب آگاهانه این شغل رهنمون شود و با ایجاد نگاه علمی و دانشی به کشاورزی در آنان، آن‌ها را به سمت انتخاب ادامه تحصیل در رشته‌های مرتبط و بهره‌بردن از دانش روز برای بهبود وضعیت کشاورزی روستا سوق دهد.